

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: هویت دانشجویان و الزامات آن حسین خوشبخت^۱، راحیل خوشبخت^۲



چکیده

سابقه طرح الگوی پیشرفت متناسب با نظام جمهوری اسلامی ایران در کلام رهبر معظم انقلاب به سال ۱۳۸۵ بر می‌گردد، که دغدغه‌های ایشان در دیدار با دانشجویان مطرح گردید. یکی از مباحث مهمی که مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های مختلف، به ویژه در چند سال اخیر بر روی آن تاکید ورزیده‌اند، نقش و جایگاه دانشجویان در تدوین و دست‌یابی به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است. در این مقاله با بیان مفهوم هویت و ابعاد آن و همچنین بیان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از دیدگاه مقام معظم رهبری سعی شده است به الزامات هویت دانشجویان برای دست‌یابی به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، هویت، هویت دینی، دانشجو



۱. مقدمه

شکست الگوهای توسعه متکی به عامل اقتصاد که در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰، پرطرفدارترین و رایج‌ترین الگوهای توسعه، در کشورهای مختلف و به ویژه، کشورهای در حال پیشرفت بودند، همراه اهمیت یافتن عامل فرهنگ در بحث‌های مربوط به توسعه، از اواسط دهه ۱۹۸۰ به این سو، اشتیاق به تدوین الگوهای مناسب‌تر برای دستیابی به رشد و توسعه را که با موقعیت بومی و محلی کشورها سازگار باشد، بیش از پیش، در دوران پس از جنگ سرد افزایش داد. در این میان، کشورهایی که در گذشته عقب مانده یا جهان سوم نامیده می‌شدند و در یکی دو دهه اخیر، عنوان محترمانه‌تر در حال پیشرفت را گرفتند، با شوق و حرارت بیشتری، در این مسیر به تکاپو پرداختند. در واقع به اعتبار می‌توان گفت گفتمان دست‌یابی به الگوی توسعه بومی با تکیه بر عنصر فرهنگ، جایگزین گفتمان‌های قدیمی‌تر جهان سوم گرایی و اصالت و بومی گرایی شده است که گفتمان‌های رایج روشن فکران جهان سوم، در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۸۰ بودند (پایا، ۱۳۸۸، ۳۲). پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب شد رویکردهای ضد غربی، در جهان سوم و به ویژه، در کشورهای اسلامی که به واسطه فقر نظری ایدئولوژی‌های مارکسیستی و ناسیونالیستی، کم و بیش از نفس افتاده بودند، انرژی تازه‌ای پیدا کنند و این بار، مجهز به آموزه‌هایی که معنویت بیشتری داشتند، علیه جنبه‌های ضد بشری تمدن جدید حرکت کنند. از آنجا که یکی از باورهای اصلی انقلابیون آن بود که انقلاب اسلامی طرحی نو برای عالم و آدم دارد و شیوه‌ای جایگزین برای مدل‌های شرقی و غربی، برای زیستن انسانی ارائه می‌دهد، طبیعی بود که اندیشه تولید پدیدارهایی همچون علم و فناوری ایرانی - اسلامی، اقتصاد ایرانی - اسلامی، مردم سالاری ایرانی - اسلامی، الگوی توسعه ایرانی - اسلامی مطرح شوند (همان، ۳۳). سابقه طرح الگوی پیشرفت مناسب با جمهوری اسلامی ایران در کلام رهبر معظم انقلاب به سال ۱۳۸۵ و زمانی برمی‌گردد که دغدغه‌های ایشان در دیدار با دانشجویان مطرح گردید. طبق فرمایشات مقام معظم رهبری الگوی توسعه ایرانی - اسلامی، الگویی است که رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی در گرو آنست. به عقیده مقام معظم رهبری، ما برای پیشرفت نیاز به یک الگو داریم. نکته اساسی در این بحث این است که الگوی ما برای پیشرفت چیست؟ بحث مهمی که در این میان مطرح می‌شود لزوم بازشناسی الگوی توسعه است. الگوهای متفاوت توسعه‌ای که در جوامع مختلف وجود دارد نشان دهنده هویت و فرهنگ آن جامعه است. مقام معظم رهبری بارها بر اهمیت و نقش دانشجو و دانشگاهیان در نیل به الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت تاکید فرموده، تاکید ایشان بر این است که دانشجویان، اساتید و عناصر دانشگاهی با تحقیق و تفحص این موضوع را با جدیت دنبال کنند. بخشی از سخنان مقام معظم رهبری موید این نکته است که مجریان و مدل‌سازان الگوی پیشرفت باید دارای هویت و فرهنگی مطابق با هویت و فرهنگ اسلامی و ایرانی داشته



۸۶۵ ► مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت

باشند. در این پژوهش سعی شده است که به بررسی هویت دانشجویان و الزامات آن برای دستیابی به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت پرداخته شود؛ و بدین منظور این نوشتار به بررسی مفهوم هویت و مبحث الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت می‌پردازد و در ادامه، جایگاه دانشجویان در طراحی الگوی ایرانی-اسلامی و در پایان نیز به پیامدها و نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

۲. مبانی نظری

استقبال شتاب‌زده، گسترده و مقلدانه از فرایند مدرنیزاسیون که در کشورهای جهان سوم به یک مُد جمعی تبدیل شده بود، معضلات و مسائلی عمدتاً فرهنگی را برای این جوامع آفرید که هنوز هم دامن‌گیر آن‌هاست. بیشتر کشورهایی که امروز با نام کشورهای در حال توسعه و حتی نسبتاً توسعه یافته شناخته می‌شوند، با چالش‌های این فرایند مواجه بوده‌اند و مروری بر تاریخ معاصر نشانه‌های روشنی از این موضوع به دست می‌دهد. در موضوع مواجهه با فرایند تاریخی مدرنیته، بحث از کشورهای دارای فرهنگ و سنت‌های دیرینه (برای نمونه ایران و مصر) بسیار قدرتمندتر است. زیرا نیرومندی بنیان برافکن مدرنیته در مقابل سنت تاریخی-فرهنگی-دینی-سیاسی این جوامع قرار گرفته است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸، ۳۶). یکی از محورهای اصلی این منازعات فکری، موضوع هویت بوده است. اما در سطح کلی‌تر مسئله هویت، اصالت و مفاهیم مشابه، خاص هیچ فرد یا جامعه خاصی نیست و می‌توان گفت امری جهانی است. (همان، ۳۶) یکی از مسائلی که در مسیر رشد و تحول انسان از تکالیف مهم رشدی محسوب می‌شود، پیدایش درکی از خود یا کسب هویت است، این احساس که کیستم؟ در جامعه چه جایگاهی دارم؟ و از زندگی چه می‌خواهم؟ از طریق پاسخگویی به این پرسش‌های بنیادی ابعاد شخصیتی هماهنگی و انسجام لازم را می‌یابد (هاشمی و جوکار، ۱۳۸۷، ۵۹). موضوع هویت در فرهنگ اجتماعی، هیچ‌گاه به گستردگی امروز محل بحث و مناقشه نبوده است؛ و در واقع در جامعه امروز و با گسترش محلی، ملی و بین‌المللی، حوزه مطالعه جدیدی در باب هویت و مؤلفه‌های باز شده است (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ۱۰).

۳. مفهوم شناسی هویت

واژه هویت یا Identity ریشه در زبان لاتین دارد. این واژه در یک معنا به ویژگی یکتایی و فردیت، یعنی تفاوت‌های اساسی که یک شخص را از همه کسان دیگر به واسطه هویت «خودش» متمایز می‌کند، اشاره دارد و در معنای دیگر به ویژگی همسانی که در آن اشخاص می‌توانند به هم پیوسته باشند و یا از طریق گروه یا مقولات بر اساس صور مشترک برجسته‌ای، نظیر ویژگی‌های قومی و ... به دیگران بپیوندند، دلالت دارد. (www.siemorgh.com). در فرهنگ معین هویت به معنای ذات باری تعالی، هستی، وجود، و آنچه موجب شناسایی شخص شود؛ و در فرهنگ عمید آمده است



هویت به معنای حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، اشاره شده است. به یک معنا هویت عبارت است از آنچه سبب تشخیص و یا: آنچه موجب شناسایی فرد می‌شود بنابراین هویت عبارت است از مجموعه ویژگی‌ها، شناسه‌ها و الگوهای رفتاری اکتسابی که فرد، قوم، ملت و تمدنی را از دیگر اقوام، ملل و تمدن‌ها متمایز می‌سازد (اکبری، ۲۰، ۱۳۸۷). گمان نیز معتقد است که هویت بر اساس شرایط اجتماعی فرد و توانایی‌های فردی او شکل می‌گیرد. به اعتقاد جیمز مارسیا هویت سازمانی درونی، خود جوش و پویاست که از سائقها، توانایی‌ها، باورها و تجارب گذشت فرد نشأت می‌گیرد (همان، ۲۲۱). نخستین بار اریکسون واژه هویت را در سال ۱۹۸۶ به کار برد. در سطح جهانی، در سال‌های دهه ۱۹۹۰، هویت به یکی از چارچوب‌های وحدت بخش در بحث‌های روشن‌فکری تبدیل شد. امروز چنان به نظر می‌رسد که همگان جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی، روان‌شناسان، جغرافیدانان، تاریخ‌دانان، و فیلسوفان (حرفی برای گفتن راجع به آن دارند (صدیق سروستانی، ۳۷، ۱۳۸۸). اغلب روان‌شناسان و نظریه پردازان شخصیت، هویت را امری فردی و شخصی دانسته‌اند و معتقدند که دو معنا و جنبه هویت (شباهت و تفاوت) معطوف به ویژگی‌های شخصی و احساسی فرد هستند (ابراهیمی، ۱۰، ۱۳۸۷).

۴. هویت فردی

هویت فردی در نظر مطهری، در چارچوب دین و اندیشه‌ی دینی معنی دارد؛ یعنی، مطهری هویت یابی واقعی برای انسان را، تنها در تکامل و تعالی انسان به سوی اهداف متعالی می‌داند و با طرح موضوع انسان کامل، در بیش‌تر مباحث خود در تلاش است تا ویژگی یک انسان مطلوب و کامل را از دیدگاه دین اسلام بیان نماید، به همین منظور ویژگی‌های انسان کامل را از نظر مکاتب دیگر نیز مورد نظر دارد. البته وی وجود جهان بینی و ایدئولوژی را برای انسان، برای هویت‌یابی دینی لازم می‌داند. مطهری ضمن این که عواملی چون وراثت، محیط طبیعی و جغرافیایی، محیط اجتماعی و تاریخ و عوامل زمانی را محدود کننده‌ی دایره‌ی عمل و در نهایت تحدید کننده‌ی هویت انسان می‌داند، بر آن است که در عین حال او قدرت طغیان علیه این محدودیت‌ها را دارد، و می‌تواند خود را از قید حکومت این عوامل رها سازد. بنابراین، در نظر ایشان: انسان در عین اینکه در اجتماع زندگی می‌کند، تحت تأثیر برخی قیود اجتماعی است، به علت داشتن قدرت، اختیار و عقل، می‌تواند اصالت و هویت خود را حفظ کند. در نظر مطهری، در انسان آگاهی‌هایی وجود دارد، که باعث پیشرفت و تکامل او به سوی سعادت است؛ آگاهی‌هایی چون: خودآگاهی نظری، جهانی، فلسفی، طبقاتی، ملی، انسانی، عرفانی و پیامبرانه که شکل دهنده‌ی آگاهی هویتی او هستند. او در این باره دعوت به خودآگاهی و این که خود را بشناس، تا خدای خویش را بشناسی، می‌گوید خدای خویش را فراموش مکن که خودت را فراموش می‌کنی، سرلوحه‌ی تعلیمات مذهب است. بنابراین،



۸۶۷ ► مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت

در نظر مطهری، هویت فردی انسان، به عنوان موجودی اجتماعی و متمایز از موجودات دیگر، در قابلیت‌ها، آگاهی‌ها، و کمالات انسان نهفته است. یعنی، با توجه به عقل، اختیار و علم و در نهایت تلاش انسان برای وصول به حق تعالی می‌توان برای انسان، هویت مطلوب فردی تعریف کرد که در آن دین و ایمان دینی دارای جایگاهی اساسی است (قربانی، ۱۳، ۱۳۸۳، ۱۴).

۵. هویت دانشجو

مسئله هویت در ایران اسلامی، در دهه‌های اخیر به خصوص در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ توجه زیادی را برانگیخت. برنامه‌های رسمی دولتی، تألیف‌ها، پژوهش‌ها، و سمینارهای انجام شده در قلمرو موضوع هویت در این دهه‌ها نشانه اهمیت بسیار حیاتی هویت و موضوعات مرتبط به آن است (صدیق سروستانی، ۳۷، ۱۳۸۸). اهمیت قشر دانشجو به مسئله نقطه کانونی، دست کم از نگاه نسل بزرگسال و برنامه ریز جامعه یک واقعیت است. شاید استنباط این باشد که شناخت ویژگی‌ها، نیازها و خواسته‌ها، منابع معرفتی و ابعاد هویتی آن‌ها به برنامه ریزان و دست اندر کاران حوزه آموزش عالی کمک می‌کند تا برنامه ریزی‌ها، استراتژی‌ها و خطمشی‌هایی که برای این قشر طراحی می‌شود، آگاهانه و معطوف به نتیجه مثبت باشد. زیرا بدون شناخت ابعاد هویتی دانشجویان بسیاری از برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و تبلیغی نه تنها نتیجه مثبت نخواهد داشت، بلکه عاملی برای موضع گیری و مقابله خواهد بود. دانشجویان در مرکز فرایند تمایز و تشابه هویتی قرار دارند. علاوه بر جوانی، از یک سو فضای دانشگاه و تعلقات آن که بیشتر موافق تغییر و تحول ویژگی‌های هویتی است، دانشجویان را با ویژگی‌های هویتی جدید آشنا می‌کند و از سوی دیگر، بدنه فرهنگی جامعه بزرگ‌تر معمولاً این همانی با فرهنگ سنتی و عناصر هویتی موجود را از آنجا می‌طلبد. این وضعیت نامتعادل نه تنها منازعات هویتی را می‌آفریند، بلکه در بیشتر اوقات به بروز هویت‌های ترکیبی و دورگه منتهی می‌شود که با هویت مورد انتظار جامعه و حتی خود نظام آموزش عالی نیز متفاوت است (همان، ۳۸). صورت بندی رهیافت‌های تعامل با غرب، در حقیقت بیان این نکته است که مسئله مشترک ایران در تاریخ معاصر آن، مسئله فرهنگی است و این پروبلماتیک فرهنگی چیزی جز مسئله هویت و موضوعات پیرامون آن نیست. به علاوه این مسئله به صورت آشکار، اما متفاوت در همه سطوح جامعه، اعم از روشن فکران و گفتمان‌های روشن فکری، مسئولان نظام سیاسی و توده مردم دیده می‌شد (همان، ۳۸).

۶. هویت دینی

بر کسی پوشیده نیست که انسان فطرتاً خداجو آفریده شده است و میل و گرایش باطنی به خدا دارد. به عبارتی از آموزه‌های ذاتی مختص انسان که تعبیر به فطرت می‌شود در سه بعد معرفتی و شناختی، گرایشی (حس مذهبی) و توانشی به ترتیب در انسان حس خدایابی و میل به خدا



گرایی و توانایی قرب الی الله وجود دارد که در نهاد آدمی به ودیعه گذاشته شده است. به عبارتی هویت دینی که ریشه در فطرت آدمی دارد، می‌تواند با تکوین و شکوفایی آن پیامدهای مثبتی در حوزه فردی و اجتماعی به دنبال داشته باشد، از جمله احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورها، هدفمندی و جهت دهی فرد و جامعه که خود این امر بازخوردهای مثبت و اثر بخش خویش را در عرصه‌های مختلف فردی (هویت دینی به عنوان مکتب خودسازی و انسان سازی) و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شفافیت و نمود می‌بخشد. حال می‌گوییم احراز هویت دینی برای نسل جوان، به منزل تقویت روحیه امیدواری و نشاط برای آینده‌ای بهتر است. همچنین هویت دینی می‌تواند به زندگی فرد و اجتماع جهت دهد و یک زندگی هدفمند و خدا محور را برای او ترسیم کند نه زندگی انسان محور و ماشینی. از سوی دیگر تاریخ بشر گویای این مطلب است که دین و هویت دینی همیشه تمدن ساز بوده است. هویت دینی اگر تقویت شود باعث پذیرش و مقبولیت اجتماعی نیز می‌شود چرا که اصلاح رابطه خود با خدا به اصلاح رابطه فرد با دیگران از سوی خداوند می‌انجامد و خداوند بذر محبت و انجذاب وی را در قلوب دیگران می‌پاشد؛ و مضافاً این که هویت دینی زندگی را معنادار کرده و از پوچ گرایی و نیهیلیسم و بی معیاری و بی‌هدفی می‌رهاند، یعنی معناداری زندگی و هدفمندی فرد و جامعه در پرتو اعتقاد به خدا و دین او شکل می‌گیرد، چنان که چنین فردی خود را مسئولیت پذیر و متعهد دانسته و نسبت به رعایت حقوق حق‌الله، حق‌النفس و حق‌الناس ملتزم می‌سازد و از سویی ارزش‌های اخلاقی و قوانین اجتماعی و حقوقی را ارج نهاده و آن‌ها را در خود به شکل هنجار درمی‌آورد. پس هویت دینی می‌تواند هنجار سازی کند و هنجارها را در درون فرد و جامعه تقویت یا تثبیت و افزایش دهد. چنان که اختلال در هویت دینی نیز می‌تواند فرد را هنجارشکن و بزه‌کار بار آورد؛ بنابراین با بروز بحران هویت دینی فرد دچار بی معیاری، بی عاطفگی و بی‌هدفی و ... می‌شود، و این جا است که مشکلات فردی و اجتماعی یکی پس از دیگری بروز می‌کنند. به جد می‌توان گفت که اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین عاملی که می‌تواند تمام هویت‌ها را وحدت بخشد، هویت دینی است چرا که گفتیم انسان فطرتاً این میل و گرایش را در خود دارد و می‌تواند عامل وحدت بخش نوع انسانی باشد. (اکبری، ۲۲۴، ۱۳۸۷). در جهانی که با نام هویت‌های متکثر شناخته می‌شود، دین یکی از عوامل مهم تعیین هویت افراد و هویت جوامع شناخته می‌شود و بر این اساس در سیاست بین‌الملل و روابط بین‌الملل نقش ایفا می‌کند. پروفسور راجر کریسپ استاد فلسفه دانشگاه آکسفورد در این مورد معتقد است: دین مانند سایر عناصر سازنده هویتی در تعریف هویت افراد و هویت جوامع نقش دارد و از این رو در مناسبات بین‌المللی به ایفای نقش می‌پردازد.



۷. پیامدهای هویت دینی

با توجه به نکات گذشته می‌توان پیامدهای هویت دینی را به صورت ذیل بیان کرد: ۱. پاسخ به پرسش‌های بنیادین از دستاوردهای هویت دینی است، این که من کیستم؟ و به کجا آمده‌ام؟ و آمدنم بهر چه بود؟ و ... وقتی پاسخ داده می‌شود که انسان این هویت را در خود پرورانده باشد و اگر نه فردی که دچار بحران هویت دینی شده و با این گونه پرسش‌های بنیادین و هستی‌شناسانه کنار نیامده به اعتقاد سورنکی کیگارد، فیلسوف اگزیستانسیالیسم، دچار دلهره و اضطراب وجودی می‌شود و برای فرار از این دلهره و اضطراب، چنین پرسش‌هایی را در اعماق وجود خود غرق می‌کند، یا آن‌ها را به استحاله کشانده و بی‌پاسخ رها می‌سازد.

۲. جهت‌دهی به زندگی و به نوعی ارزش نهادن بدان ۳. رویکرد مثبت به آینده و هدف‌داری جهان و بازخوردهای مثبت آن در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی ۴. معنادار شدن زندگی و به یک معنا ایجاد مرز جدایی بین معناداری و هدفمندی جهان و نگرش نهیلیستی و پوچ‌گرایانه به آن ۵. اعتقاد به مبدأ هستی و حاکمیت خدا محوری به جای انسان محوری (نگرش اومانستی) ۶. این که هویت دینی، زمینه ساز هویت تمدنی است که نمونه بارز آن تشکیل حکومت اسلامی و ۷. مدنی توسط نبی اکرم (ص) و امام عدل و حق (ع) بوده است ۷. برخورداری از مقبولیت اجتماعی ۸. شأن و منزلت جوانی در جایگاهی رفیع و ارزشمند قرار می‌گیرد و تقویت جنبه ملکوتی فرد ۹. حس مسئولیت و تعهد شخصی و جمعی به صورت جهت‌دار و هدفمند جلوه می‌کند و او را در قبال خدا، و دیگران مسئول و پاسخگو می‌کند.

۸. پیامدهای بحران هویت دینی

با توجه به نکات پیشین درباره پیامدهای مثبت هویت دینی می‌توان اذعان کرد افرادی که دچار بحران هویت دینی و مذهبی می‌شوند و به عبارتی در خصوص مسائل دینی احساس بی‌تفاوتی و بی‌رغبتی و عدم تمایل می‌کنند، با پیامدهای منفی ذیل دست به گریبان هستند: ۱. بی‌اعتقادی به مبدأ هستی و نگرش اومانستی به جهان پیرامون آن (حذف خدامحوری) ۲. احساس پوچی و بی‌هدفی و نگرش نهیلیستی به جهان و زندگی و بی‌معنا شدن آن ۳. نداشتن تعهد شخصی، گروهی و اجتماعی در تمامی عرصه‌ها و حتی در نقش‌هایی که به عهده می‌گیرد ۴. عدم مسئولیت‌پذیری در برابر خود، جامعه و دیگران ۵. سست و بی‌معیار شدن نظام ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در فرد ۶. خودستیزی و جامعه‌ستیزی ۷. ضعف باورهای دینی و کاهش خودکنترلی فرد ۸. هنجارشکنی ۹. گرایش به امیال، خواهش‌ها و خواسته‌های لجام‌گسیخته ۱۰. بی‌اعتمادی به خود و جامعه و متقابلاً سلب شدن اعتماد دیگران نسبت به او ۱۱. تبدیل جنبه ملکوتی فرد به جنبه حیوانی و تنزل پایگاه رفیع و ملکوتی انسانی ۱۲. انزوای اجتماعی ۱۳. کاهش شبکه‌های ارتباطی ۱۴. رشد فردگرایی



و روحی، خودخواهی و خودپرستی (اکبری، ۲۲۵، ۱۳۸۷).

۹. الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت

مفهوم الگوی پیشرفت

سابقه طرح الگوی پیشرفت مناسب با جمهوری اسلامی ایران در کلام رهبر معظم انقلاب به سال ۱۳۸۵ و زمانی بر می‌گردد که دغدغه‌های ایشان با دانشجویان مطرح گردید: «تعیین الگوی پیشرفت لازم است. الگوی پیشرفت چیست؟ ما باید این را مشخص کنیم؟ اگر این را مشخص کنیم، آن وقت در برنامه ریزی‌ها، اولویت‌ها، تقدم‌ها، برنامه‌ها، زمان‌بندی‌ها، و سرمایه‌گذاری‌های ما اثر می‌گذارد (۱۳۸۵/۸/۱۸). ایشان البته در سال‌های بعد نیز در مقاطع مختلفی در دیدار با دولت‌مردان و دانشگاهیان این موضوع را مطرح کرد و آن را مطالبه کردند. از جمله دیدارهایی با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد در تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۳، دانشگاه شیراز به تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۴، در دیدار نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها به تاریخ ۱۳۸۷/۷/۳، در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه کردستان به تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۷، در دیدار با هیأت دولت به تاریخ ۱۳۸۸/۶/۱۸ و حتی با نام‌گذاری دهه چهارم انقلاب اسلامی به نام «دهه پیشرفت و عدالت» آن را تبدیل به یک خواست عمومی نظام نمودند که هم قوای حکومتی، و هم دولت و مردم پیگیر چستی آن باشند و در جهت تدوین و اجرای آن نیز گام بردارند. نهایتاً با برگزاری همایش ملی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در خرداد ماه ۱۳۸۹ این موضوع به یک عزم ملی از سوی مراکز علمی بدل گشت (صفرلکی، ۳۵، ۱۳۹۰).

طبق فرمایشات مقام معظم رهبری: «الگوی توسعه ایرانی-اسلامی، الگویی است که رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی در گرو آن است. تدوین الگوی ایرانی اسلامی نیاز به ایده‌پردازی دارد. این ایده‌پردازی کاری نیست که در اتاق‌های دربسته و در خلأ انجام بگیرد. باید فکرهای گوناگون، اندیشه‌های گوناگون با آن سر و کار پیدا کنند، تماس پیدا کنند تا آنچه که محصول کار هست، یک چیز عملی و منطقی از آب در بیاید. پس جان کلام، این است که ما باید توسعه و پیشرفت را بازشناسی کنیم، ببینیم برای کشور ما، برای جامعه‌ی ما، مدل پیشرفت چیست. نکته اساسی که در کلام مقام معظم رهبری نمایان است، این است که برای تدوین الگوی پیشرفت نیاز به تفکر و اندیشه‌های گوناگون از جمله دانشجویان و می‌باشد. سخنان مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که ایشان حس ارزشمندی و حق انتخاب و توانایی حل مشکلات را در دانشجویان باور دارند. با این حال، چه اتفاقی رخ داد که دانشجوی ایرانی در بحران هویت در نظام جهانی به چنان جایگاهی رسیدند که معمار انقلاب از ایشان این گونه یاد کرد؟ آیا دانشجویان ما این نگاه را در عرصه‌های مختلف پس از انقلاب در مورد خود تجربه کردند؟ آیا به جز پیام‌های امیدبخش مقام



معظم رهبری، شاهد گسترش این نوع نگاه به خود در دستگاه‌های حکومتی و دولتی، دادگاه‌های مدنی، رسانه ملی و مانند آن بودند؟»

۱۰. خطوط اصلی و جایگاه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

در خصوص الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت کشور، توجه به اصول زیر که از سوی صاحب نظران مختلف طرح شده و در بیانیه‌ی همایش نخست نیز مورد تأکید قرار گرفته ضروری است:

۱- «پیشرفته شدن» و در عین حال «غربی نشدن» خواسته همه دلسوزان نظام و به معنای پیوند وثیق میان «فکر اسلامی» توأم با «بهم پیوستگی درونی» از سطح معرفتی تا سطح عملیاتی الگوست.

۲- «انسجام همه بخش‌های الگو»، «جامعیت و دربرگیرنده همه ابعاد پیشرفت»، در نظر گرفتن «اقتضائات تاریخی، جغرافیایی، طبیعی، سرزمینی، جمعیتی، سیاسی، منطقه‌ای، ژئوپولوتیکی ایران»، محوریت داشت، «ارزش عدالت» در تاروپود الگوی پیشرفت، توجه جدی به «نقش و مشارکت مردم»، جایگاه کانونی داشتن پیشرفت «علم و فن آوری»، داشتن نگاه توأمان به «فرد و جامعه» در پیشرفت، و تدوین «عملیاتی» الگو و شکل دادن «اجماع ملی حول الگوی پیشرفت» در کنار «حاکمیت فکر اسلامی»، خطوط اصلی‌ای است که در تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت لازم است مورد توجه قرار گیرد.

۳- الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت از مهم‌ترین «اسناد بالادستی» و «دراز مدت کشور» است که پس از تدوین و نهایی شدن بر بسیاری از تصمیمات کلان کشور حاکم خواهد بود. به همین سبب باید در تدوین آن «قانون اساسی»، دیدگاه‌های «امام خمینی (ره)» و «رهبر معظم انقلاب» ملاک و شاخص اصلی قرار گیرد. رهبر معظم انقلاب در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی به تاریخ ۱۳۸۹/۹/۱۰ بر این موضوع تأکید نمودند که: «... این یک سند بالادستی خواهد بود نسبت به همه اسناد برنامه‌ای کشور و چشم‌انداز کشور و سیاست‌گذاری‌های کشور، یعنی حتی چشم‌اندازهای بیست ساله و ده ساله که در آینده تدوین خواهد شد، باید بر اساس این الگو تدوین شود...».

۴- مسئله اصلی تدوین الگو بر اساس سیاست‌های کلی برنامه پنجم (ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب) با دولت محترم است که تحقق کامل این مسئولیت از یک سو، در اولویت دادن به این مسئله از سوی دولت می‌باشد و از دیگر سو، در گروهی ایجاد فضا و بستر متناسب جهت نقش آفرینی فکری و علمی نخبگان می‌باشد. بنابراین، دولت باید ضمن بر حذر داشتن دستگاه‌های مسئول از کارهای شکلی و تشریفاتی، شرایط و زمینه‌ها را برای اتصال همه نخبگان و دانشوران به پروژه عظیم مذکور فراهم نماید.

۵- فقدان الگوی پیشرفت در ادوار مدیریتی کشور، آسیب‌هایی را به هویت انقلاب اسلامی وارد



کرده است. بر همین اساس، مهم‌ترین تضمین برای تدوین الگوی پیشرفت کشور، مطابقت آن با گفتمان ایران اسلامی است (صفرلکی، ۱۳۹۰، ۳۶).

۱۱. مجریان تدوین الگوی پیشرفت

به گفته مقام معظم رهبری: مدل‌سازی و الگوسازی، کار خود شماسست؛ یعنی کار نخبگان ماست. در تحقیقات دانشگاهی باید دنبالش بروند، بحث کنند و در نهایت مدل پیشرفت را برای ایران اسلامی، برای این جغرافیا، با این تاریخ، با این ملت، با این امکانات، با این آرمان‌ها ترسیم و تعیین کنند و بر اساس او حرکت عمومی کشور به سوی پیشرفت در بخش‌های مختلف شکل بگیرد.

۱۲. هدف از تدوین الگوی پیشرفت

پیشرفت کشور و تحولی که به پیشرفت منتهی می‌شود، باید طوری برنامه‌ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد، انسان در آن تحقیر نشود. هدف، انتفاع انسانیت است، نه طبقه‌ای از انسان، حتی نه انسان ایرانی، پیشرفتی که ما می‌خواهیم بر اساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم، فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست، چه برسد بگوئیم برای طبقه‌ای خاص، این پیشرفت، برای کل بشریت و برای انسانیت است.

۱۳. عرصه‌های الگوی پیشرفت

مقام معظم رهبری: «عرصه‌های این پیشرفت را به طور کلی بایستی مشخص کنیم. چهار عرصه اساسی وجود دارد، که عرصه زندگی - که شامل عدالت و امنیت و حکومت و رفاه و این چیزها می‌شود - یکی از این چهار عرصه است. در درجه اول، پیشرفت در عرصه فکر است. ما بایستی جامعه را به سمت یک جامعه متفکر حرکت دهیم؛ این هم درس قرآنی است. شما ببینید در قرآن چقدر «لقوم یتفکرون»، «لقوم یعقلون»، «أفلا یعقلون»، «أفلا یتدبرون» داریم. ما باید جوشیدن فکر و اندیشه‌ورزی را در جامعه خودمان به یک حقیقت نمایان و واضح تبدیل کنیم. البته این از مجموعه نخبگان شروع خواهد شد، بعد سرریز خواهد شد به آحاد مردم.

مقام معظم رهبری: عرصه‌ی دوم - که اهمیتش کمتر از عرصه‌ی اول است - عرصه‌ی علم است. در علم باید ما پیشرفت کنیم. البته علم هم خود، محصول فکر است. در همین زمان کنونی، در حرکت به سمت پیشرفت فکری، هیچ نبایستی ناتوانی و کوتاهی و کاهلی به وجود بیاید. خوشبختانه چند سالی است که این حرکت در کشور شروع شده؛ نوآوری علمی و حرکت علمی و به سمت استقلال علمی حرکت کردن. علم هم این جوری است دیگر؛ بلافاصله در قالب فناوری‌ها و این‌ها خودش را نشان می‌دهد. در موارد زیادی، محصول حرکت علمی هم مثل این مسئله‌ی مورد بحث



۸۷۳ ► مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت

ما از چیزهای بلندمدت نیست؛ نزدیکتر و ثمره‌ی آن دم دست‌تر است. کار علمی را بایستی عمیق و بنیانی انجام داد. این هم یک عرصه‌ی پیشرفت است.

عرصه‌ی سوم، عرصه‌ی زندگی است، که قبلاً عرض کردیم. همه‌ی چیزهایی که در زندگی یک جامعه به عنوان مسائل اساسی و خطوط اساسی مطرح است، در همین عنوان «عرصه‌ی زندگی» می‌گنجد؛ مثل امنیت، مثل عدالت، مثل رفاه، مثل استقلال، مثل عزت ملی، مثل آزادی، مثل تعاون، مثل حکومت. این‌ها همه زمینه‌های پیشرفت است، که باید به این‌ها پرداخته شود.

عرصه‌ی چهارم - که از همه‌ی این‌ها مهم‌تر است و روح همه‌ی این‌هاست - پیشرفت در عرصه‌ی معنویت است. ما بایستی این الگو را جوری تنظیم کنیم که نتیجه‌ی آن این باشد که جامعه‌ی ایرانی ما به سمت معنویت بیشتر پیش برود. البته این در جای خود برای ما روشن است، اما باید برای همه روشن شود که معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویت روح همه‌ی این‌هاست. می‌توان با معنویت قله‌های علم را صاحب شد و فتح کرد؛ یعنی معنویت هم وجود داشته باشد، علم هم وجود داشته باشد. دنیا در آن صورت، دنیای انسانی خواهد شد؛ دنیایی خواهد شد که شایسته‌ی زندگی انسان است (بیانات مقام معظم رهبری در حوزه الگوی پیشرفت بومی).

۱۴. چگونگی تدوین الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی

در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به جای پرورش روحیه رقابت، الگوی همکاری و تعاون را باید در افراد پرورش دهیم تا آن‌ها فقط برای خود تلاش نکنند. در کشورهای غربی شهروندان به صورت خودخواهانه رفتار می‌کنند و در صورتی که انگیزه و تمایلات فردی در کارهایشان حذف شود، پیشرفت نخواهند کرد. این در حالی است که در دین اسلام به دنبال پرورش انسانی هستیم که برای خود تلاش نکند و دگرخواه باشد؛ لذا یکی از مؤلفه‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، اندیشه دگرخواهی است که به از خودگذشتگی و فداکاری و در نهایت به فرهنگ ایثار و شهادت منجر می‌شود. بر همین اساس، الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی مبتنی بر دگرخواهی است نه رقابت خواهی، و افراد برای بهره‌مندی خود و دیگران به دنبال پیشرفت می‌روند لذا محصول پیشرفت ایرانی-اسلامی هم رشد و جلورفتن جامعه در زمینه‌های مختلف اقتصادی و عدالت اجتماعی است. در این الگو هدف‌ها مشخص است اما امکان دارد راهبردها به تناسب شرایط زمان دچار تغییر و اصلاح شوند که این مسئله نشان دهنده انعطاف‌پذیری الگو است. حال این سوال مطرح می‌شود که راهکارهای اجرایی و عملیاتی کردن الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی چیست و آیا پس از گذشت مدت زمانی از بیان این الگو، موفق به طراحی الگوی اسلامی-ایران پیشرفت شده‌ایم؟ نخستین اقدام برای اجرای الگوی اسلامی-ایرانی، تئوری پردازی است که باید توسط دانشگاه و حوزه‌های



علمیه صورت پذیرد. به واقع بدون تئوری پردازی نمی‌توان وارد کار شد و تحقق این امر نیازمند این است که افراد با صرف وقت، انجام تحقیق، نوشتن مقاله و کتاب، تئوری را از عالم انتزاع به واقعیت تبدیل کرده و سرانجام به راهکاری مطلوب برسند. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت می‌تواند نقشه راهی برای همه طرح‌ها، چشم اندازها و سیاست‌های توسعه تلقی شود و مسیر پیشرفت کشور را بر مبنای آرمان‌های بلند اسلامی مشخص کند. یکی از مقدمات لازم برای تحقق این الگو آن است که تعارض‌های موجود میان یافته‌های بشری و ارزش‌ها و قواعد هنجاری مورد نظر شناسایی و حل و فصل شود و اگر از این تعارض‌ها خارج شویم، می‌توانیم در چارچوب قواعد ارزشی آزادانه حرکت و از یافته‌های بشری به خوبی استفاده کنیم. نکته دیگری که در خصوص الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت وجود دارد این است که باید برای مدیریت آینده برنامه ریزی کرد. غرب در حال حاضر در حال ساختن جهانی است که تفکر سرمایه‌داری خود را به عنوان الگوی اقتصادی، فرهنگ خود را به عنوان الگوی فرهنگی و دموکراسی را در قالب الگوی سیاسی به جهانیان ارائه و تحویل کند. از این رو باید در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت جایگزین‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کارآمدتری داشته باشیم که لازمه آن تئوری پردازی جهانی است، یعنی نظریات خود را از عرصه‌های داخلی و منطقه‌ای فراتر برده و جهانی بیندیشیم. همه ما می‌دانیم ترسیم هدف مشخص برای پیشرفت کاملاً ضروری است، اما مسیر ارتقاء و تعالی با تقلید محقق نخواهد شد و به واقع ایران را به سمت پیشرفت نمی‌رساند (www.mardomsalari.com).

۱۵. الزامات هویت دانشجو در جهت نیل به الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت

با توجه به اهمیت هویت دانشجو در دستیابی الگوی اسلامی-ایرانی، برخی ویژگی‌های لازم برای هویت دانشجو عیارتند از:

۱- الگویی که ما در پی تدوین آن هستیم یک الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، با توجه به اصول خودمان است، پس هویت دانشجو نیز باید بر اساس اصول اسلامی-ایرانی که همان اخلاق و معنویت است دنبال شود.

۲- از جنبه سیاسی دانشجو می‌بایست، سیاست خود را بر پایه مبانی سیاسی اسلام بنا کند.

۳- افزایش توان تصمیم‌گیری: دانشجو می‌تواند با فکر خود، با زبان خود، با تعلق کم خود و با گفتار و عمل خود تصمیم‌سازی کند.

۴- عدم کوتاهی و کاهلی در نوآوری‌ها و حرکت‌های علمی و حرکت به سوی استقلال علمی کشور.

۵- جلوگیری از نفوذ تفکرهای انحرافی در دانشگاه‌ها، که باعث ایجاد بحران هویت در دانشجو می‌شود.

۶- افزایش توان تجزیه و تحلیل دانشجو درباره مسائل مختلف به کمک اساتید متعهد.

۷- پرهیز از سطحی شدن تفکر در بین دانشجویان و جنبش دانشجویی.



۸- شکل‌گیری و تقویت خصوصیات ضد استکبار، ضد سلطه، ضد استبداد و ضد اختناق در دانشجو.

۹- نگاه خوش‌بینانه و امیدوارانه به آینده نه دید ناامیدی که دشمن در پی آن است.

۱۰- تحول آموزش و پرورش به دلیل ناتوانی نظام کنونی آموزش و پرورش در پرورش نسل‌های آینده به دلیل وارداتی بودن نظام.

۱۱- تولید مقاله‌های علمی با توجه به نیاز کشور، نه صرف نوشتن مقاله.

۱۲- حفظ یکپارچگی در بین اقشار مختلف دانشجویان در دانشگاه و جلوگیری از جهت‌گیری‌ها.

۱۳- ایجاد الگوهای رفتاری صحیح منطبق بر اخلاقیات بشری و فطرت آزادی‌خواه انسانی، مقتضیات زمانی، مکانی و فرهنگی، تبلیغات صحیح دینی و ایجاد سیستم کنترل درونی در دانشجویان از طریق ایجاد باورها، اعتقادات دینی و تقویت هنجارهای اجتماعی.

۱۴- شناسایی دقیق و صحیح نیازهای دانشجویان و ایجاد پل ارتباطی میان نسل جدید و قدیم با توجه به مقتضیات زمان.

۱۵- به‌کارگیری شیوه‌های مختلف فرهنگی جهت احیای هویت اصیل ایرانی مبتنی بر بسترهای تاریخی و تطابق و اصلاح آن با مقتضیات زمان از طریق ابزارهای مناسب به ویژه رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی.

۱۶- جلوگیری از سیاست‌های تهاجمی فرهنگ غرب در مقابل فرهنگ بومی که بیشتر با تأکید بر جنبه‌های خشونت باعث بی‌هویتی دانشجویان شده و در اضمحلال فرهنگ خودی و القای فرهنگ بیگانه نقش داشته است.

۱۷- اصلاح نظام آموزشی و تقویت فرآیند جامعه‌پذیری و بنیة فرهنگی و ایجاد حس اعتماد متقابل بین افراد و نظام از طریق اجرای عدالت اجتماعی، فقر زدایی و زدودن شکاف‌های طبقاتی به منظور تقویت و استحکام هویت دانشجویان و جلوگیری از بروز بحران در بین آنان.

۱۶. نتیجه‌گیری

با توجه به مواردی که بیان شد و با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری، ما در نظام جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت نیاز به تدوین یک الگو داریم، بنابراین این الگو، الگویی است که رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی را به همراه داشته باشد. نکته بسیار مهمی که باید به آن توجهی معرفت‌شناسانه داشته باشیم، این است که هویت اسلامی و ملی عامل اساسی در تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت به شمار می‌آیند. هر چند این هویت برای سال‌های متمادی در ذهن اکثر مردم کشورمان وجود داشته ولی هرگز جرقه تدوین یک الگو بر اساس فرهنگ و هویت خودمان



زده نشده بود. تا اینکه با تاکید مقام معظم رهبری و ارائه پیشنهادهای ایشان و دعوت از اندیشمندان برای تدوین یک الگوی اسلامی-ایرانی، باعث توجه به هویت اسلامی-ایرانی، زمینه را برای تبدیل این هویت و فرهنگ به یک الگو فراهم ساخت. بخشی از سخنان مقام معظم رهبری موبد این نکته است که دانشجویان نقش اساسی را در نیل به این الگو ایفا می کنند، بنابراین دانشجویان در آینده از ارکان تدوین الگوی ایرانی-اسلامی خواهند بود. برای دستیابی به یک الگوی اسلامی-ایرانی که اساس آن بر عدالت، تقوا، پرهیزکاری و... استوار است، دانشجوی ایرانی باید هویتی داشته باشد که خواستگاه آن دینی و بر آموزه‌های دین مبین اسلام و همچنین بر اساس تاریخ و تمدن ایرانی استوار باشد.

منابع

- ابراهیمی، قربان علی و بهنوی گنده، عباس، (۱۳۸۷)، بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و هویت‌های اجتماعی فردی و جمعی در بین جوانان، مجله تخصصی جامعه شناسی، سال اول، پیش شماره سوم.
- اکبری، بهمن، (۱۳۸۷)، بحران هویت و هویت دینی، پیک نور، سال ششم، شماره چهارم، صص ۲۱۹-۲۳۱.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در حوزه الگوی پیشرفت بومی.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۶/۰۲/۲۵
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۷
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۰۶/۱۶
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۰۹/۱۰
- : بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف.
- پایا، علی، (۱۳۸۸)، آیا «الگوی توسعه ایرانی-اسلامی» دست یافتنی است؟، فصلنامه علمی- پژوهشی روش شناسی علوم انسانی، س ۱۵، ش ۶۰، پاییز ۱۳۸۸، صفحات ۳۱-۶۰.
- حاتمی، حمیدرضا، (۱۳۸۷)، مهندسی فرهنگی و توسعه فرهنگی، ضرورت‌ها و ساختارها، فصلنامه دولت اسلامی، سال اول شماره ۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۷.
- دیدار رهبر معظم انقلاب اسلامی با روسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخش‌های مختلف نظام ۱۳۸۷/۰۶/۱۹
- دیدار رهبر معظم انقلاب اسلامی با جمعی از نخبگان علمی و دانشجویان دانشگاه‌ها ۱۳۸۷/۰۷/۰۷
- صدیق سروسناتی، رحمت الله و قادری، صلاح‌الدین، (۱۳۸۸)، ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای هویت‌های سنتی و مدرن، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸، زمستان ۸۸، صص ۳۵-۶۵.
- صفرلکی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، درآمدی بر نقش و کارکرد روابط عمومی در تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، نشریات تحقیقات روابط عمومی، شماره ۶۱، خرداد و تیر ماه ۱۳۹۰.
- قربانی، قدرت الله، (۱۳۸۳)، هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری، فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۸۳.
- هاشمی، زهرا و جوکار، بهمن، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه جهت گیری‌های مذهبی اسلامی با ابعاد هویت، فصلنامه دانشور رفتار روانشناسی بالینی و شخصیت، دانشگاه شاهد، اردیبهشت ۸۹، سال ۱۷، شماره ۴۰.

www.mehrnews.com

<http://www.siomorgh.nl/farhangi/maghalate%20farhangi/do%20nazariyeh%20dar%20bareh%20howit%20ejtemae.html>

<http://www.mardomsalari.com/template1/News.aspx?NID=98484>



SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تکنیک آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تکنیک آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تکنیک آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران